

شکست‌بهت‌آور آرتانتین در سومین فینال متوالی
وداع مسی با فوتبال ملی

صفحه ۱۴

یادداشت امروز

ریسک‌های امنیتی تفاهم با FATF

مهدی محمدی

اعلام خبر توافق نهایی ایران و FATF (کارگروه اقدام مالی) تنها در صورتی اهمیت واقعی خود را نشان خواهد داد که در چارچوب راهبرد بزرگ‌تر آمریکا در پس‌پس‌پس دیده شود. هدف اصلی FATF اعمال استانداردهایی است که تضمین کند ریسک پولشویی، تامین مالی تروریسم و تامین مالی سلاح‌های کشتار جمعی در یک کشور به نحو اطمینان‌بخشی کاهش پیدا کرده است. اینکه FATF ریسک یک کشور را چقدر ارزیابی کرده باشد یک عامل مهم - و نه البته تنها یا حتی مهم‌ترین عامل - در شکل‌دهی به روابط بانکی آن کشور با شبکه بانکی جهان است. FATF نخستین‌بار در سال ۲۰۰۷ ایران را به عنوان یک کشور پرخطر برای نظام مالی جهان شناسایی کرد. آخرین بیانیه FATF در فوریه ۲۰۱۶ همچنان ایران را در کنار کره‌شمالی ۲ کشوری معرفی می‌کرد که دارای بیشترین ریسک مالی در جهان هستند و این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در بیانیه انتهایی هفته گذشته این گروه اعلام شد این گروه به مدت ۱۲ ماه اقدامات تقابلی (counter-measures) علیه ایران را تعلیق اما همچنان نام آن را در فهرست کشورهای پرخطر حفظ می‌کند تا پس از یک سال بتواند در این باره به طور کامل دوری کند.

حقیقت این است که این جزئیات چندان مهم نیست و به کار خواننده عادی نمی‌آید. مساله اصلی که باید به آن توجه کرد این است که می‌دانیم - و بزودی به تفصیل به این مساله خواهیم پرداخت - که استراتژی اصلی آمریکا در حال حاضر وادار کردن ایران به توقف یا کاهش رفتار مقاومتی در منطقه از طریق فعال کردن مجموعه‌ای از ابزارهای اطلاعاتی، مذاکراتی و... است که به طور مشخص از حیث سازمانی، سپاه و حزب‌الله و از حیث جغرافیایی، سوریه را در بر بگیرد. در حال حاضر، هیچ هدفی برای آمریکا مهم‌تر از آن نیست که در چارچوب پروژه برجام ۱،۲، ایران را درگیر مجموعه فرآیندهایی کند که خروجی آن کاسته شدن از نقش ایران در محور مقاومت و کاسته شدن از نقش محور مقاومت در منطقه باشد.

از این نظر نگاه، آنچه میان دولت آقای روحانی و کارگروه اقدام مالی رخ داده، حاوی تهدیدهای بسیار مهمی است که فراتر از ظواهر بروکراتیک باید درباره آن بشدت حساس بود. سوال اصلی این است: «یا تفاهم با FATF یک گام در جهت رسیدن به برجام منطقه‌ای است؟»

برای پاسخ، ابتدا لازم است چند مقدمه را در نظر بگیریم.
۱- ما هنوز نمی‌دانیم در مذاکرات نمایندگان دولت و FATF دقیقا چه گذشته و روی چه مداخلاتی توافق شده است. اگر منظور از تفاهم‌های دولتی می‌گویند موضوع صرفا به اجرای قانون مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم مصوب مجلس در اسفند ۹۴ محدود می‌شود، بنابراین قاعدتا دولت نباید برای انتشار متن اصلی توافق مشکلی داشته باشد، ضمن اینکه مساله اصلی در این صورت این خواهد بود که FATF قرار است با چه میزان دسترسی، براساس کدام موازین و با چه ابزارهایی، انجام قانون «خودمدان» در ایران را راستی‌آزمایی کند؟

۲- فکر می‌کنم ما به طور معقولی حق داریم توافق یا کارگروه اقدام مالی را یکی از «خرده‌توافق»‌هایی در نظر بگیریم که در مذاکرات برجام درباره آن تفاهم شده است. به این ترتیب، این فرضیه تقویت می‌شود که برجام بخشی از یک بسته بزرگ‌تر از تفاهمات مالی، سیاسی، دیپلماتیک و... است که تنها یک بخش از آن رونمایی شده و بخش‌های دیگر بی‌آنکه درباره آنها حرفی زده شود در حال اجراء است. سوال مهمی که دولت باید به آن پاسخ دهد این است که اجزای دیگر این بازل چیست و چند ماه دیگر از کدام توافق جدید پرده‌برداری خواهد شد؟ اگر بپذیریم آنچه در واقع تفاهم شده «بیش از برجام» بوده، لاجرم باید این را هم بپذیریم که هدف اصلی هم «بزرگ‌تر از مهار برنامه هسته‌ای ایران» است. آن وقت این سوال مهم رخ می‌نماید: هدف اصلی که روی آن تفاهم شده چیست؟

ادامه در صفحه ۵

زنگنه: کسی برای این ثروت خدادادی تلاش نکرده است

نفت ۷ دلاری هم به صرفه است!

مذاکرات پنهان مقامات کرسنت با مسوولان ایرانی

صفحات ۲ و ۳



عکس: حسین ظهوروند/تسنیم

قدرتی که این بافت-که ما بارها به عنوان الیگارش از آن نام بردیم- دارد مرهون همین مداومت‌های سی و چند ساله در جایگاه‌های گوناگون است. هر کسی هم اگر ۳۴ سال رئیس یک موسسه عریض و طویل باشد به چنین تحلیلی از ذی‌حق بودن می‌رسد و معنا و مفهوم جایگاهی که در آن قرار دارد دیگر تحت تاثیر دست نبردهنده به آن نیست بلکه خود از آن این رابطه مستقل احساس می‌کند و همین می‌شود که بر مبنای تحلیل خود هنوز بسیاری براندازان و تجدیدنظرطلبان کاکاهایش به شمار می‌روند و بر خود فرض می‌بندد که در این سیستم دوستی و خویشاوندی حق رفاقت را به خرج جیب مردم و با رسانه عمومی‌شان به جای آورد. و ابدا هم کسی از امثال ما پابره‌نه‌های غیرخودی حق ندارد از این سیستم بدوی توزیع منافع سوالی بپرسد، چرا که لشکر رسانه‌های رنگارنگ متهمش می‌کنند به همان چیزی که منتقدش هست، چرا که سال‌هاست این رفقای گرمابه و گلستان، رنگ عوض کرده‌اند و با فریب مبتذل خود را- بسان قورباغه‌هایی رنگ شده- در نقش گنجشک‌ک آزادی‌خواهی و دموکراسی جا زده‌اند. جماعتی که هم از توبره انقلاب اسلامی می‌خورند و هم از آخور پیوندهای خویشاوندی و دوستانه خود و چنین معتقدند که هر طوری هم که بشود و هر لگدی هم که به صورت انقلاب و ارزش‌هایش برانده شود باز هم همه اعضای یک خانواده‌اند و باید در قبال غیرخودی‌ها و غریبه‌ها (یعنی ما ملت دست‌از همه جا کوتاه) متحد و منسجم‌باشند.

بالاخره همه کاکایند و رسم برادری، وفاداری است!

اطلاعات و کاکاهایش

امیر استکی



در حالی که روزنامه اطلاعات وابسته به نهاد ولایت فقیه است و در عمق مساله جمهوری اسلامی و رهبری قرار دارد و باید جایی باشد برای پیگیری همان ایده‌های کلی انقلاب اسلامی در قرائتی هماهنگ با ساختار ولایت فقیه و رهبری انقلاب اسلامی. سیدمحمود دعایی، سرپرست روزنامه اطلاعات و نماینده ولی‌فقیه در آن روزنامه از سال ۵۹ تاکنون است و عملکرد وی در این روزنامه سواى بحث پیشین ما- که از افول وجهه رسانه‌ای این موسسه حکایت می‌کرد- نشانگر پیگیری روندی بر مبنای تمینات شخصی وی است. روندی با زوایای معنادار از رهبری انقلاب، این ادعای گزافی نیست چرا که برای مثال داعی همین چند روز پیش بیشینا فتنه‌گری چون تاج‌زاده را می‌بوسد و چندی پیش تر اقدام به چاپ تصویر کسی در صفحه اول روزنامه‌اش کرده بود که به خاطر تلاش مسجل شده‌اش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و تضعیف رهبری، ممنوع‌التصویر بود. دعایی پس از اعتراضی



رسانه‌های انقلابی به این عملش در یادداشتی در روزنامه‌اش به گونه‌ای به دفاع از این اقدام پرداخت و مدام اظهار می‌کرد کاکایش اینکاره نبوده است و... همین استفاده از لفظ صمیمی کاکا برای آن شخص نشان‌دهنده این مساله است که بافتی قدرتمند درون نظام جمهوری اسلامی وجود دارند که در عین حال

نگاه

آخرین باری که روزنامه اطلاعات را دست‌گرفته‌برمی‌گردد به آخرین سفرم با قطار و بیشترین توجه مرا از میان صفحات روزنامه جدول آن به خود جلب کرده، چیزی برای گذران وقت در قطار. اطلاعات قدیمی‌ترین روزنامه در حال انتشار ایران است و روزگاری بسیار عریض و طویل و تاثیرگذار بود اما امروز این روزنامه هم به چیزی شبیه به سرنوشت ارج نزدیک شده است. نام پراوازه‌ای که از نفس افتاده و با همه عرض و طول حاشیه‌های که فقط هست. نماد زنده‌ای از فروپاشانده شدن به دست مدیریت لایتغیر.

هر رسانه‌ای در نهایت تاسیس می‌شود که نمایندگی ایده‌هایی را داشته باشد و بزرگ و کوچک بودنش هم به نوع ایده‌هایش مربوط می‌شود. شاید ارگان رسمی یک گروه باشد برای اعلام مواضع و اطلاع‌رسانی و شاید فراتر از آن ناشی از یک منش و روش فکری - فرهنگی - سیاسی و شاید در نگاهی کلان‌تر رسالت حرفه‌ای خبررسانی گسترده و همه‌شمول را بر گزیده باشد. روزنامه اطلاعات چیزی بود از جنس سوم و اکنون چیزی هست از جنس تقریبا هیچ‌کدام و شاید در نهایت تریبونی برای ایده‌ها و روابط فریز شده اندکی پس از انقلاب. در این میان و از رهگذر این نگاه به این روزنامه باید پرسید روزنامه‌ای با ۱۰ طبقه ساختمان در خیابان میرداماد تهران چرا اکنون اینجینیبی بی‌شاخ و برگ است و تبدیل شده به جایی شاید برای سلیقه مدیرمسئول آن. البته هر رسانه‌ای حق دارد روند دلخواه خود را طی کند و به علائق و دغدغه‌های خود بپردازد فقط به این شرط که موسسه‌ای باشد مستقل از ایده‌های کلی حاکمیت.

تیتراهای امروز

پیام اتحادیه اروپا برای عضویت اسکاتلند خارج از مدار انگلیس

آغاز تجزیه بریتانیا

تفرقه در اروپا



مروری بر چرایی تعلیق، توقف و چالش‌های تولید آثار فاخر تلویزیونی

«بی‌پولی» و

پروژه‌های الفویژه

گفت‌وگویی «وطن امروز» با عبدالله اسکندری چهره‌پرداز آثار فاخر سینما و تلویزیون

صفحه ۱۳

شریک فریدون

بالاخره رفتنی شد

صفحه ۲

صاحبخانه‌ها به جای پول رهن اجاره‌بها می‌خواهند

مستأجران قربانی کاهش سود بانکی

صفحه ۱۶

روزنه

آنچه بنی‌صدر را به زمین گرم زد

محمدرضا کردلو



عصر ۲۸ مرداد ۳۲، روز کودتا، صدیقی که هر لحظه ضعف می‌کرد و از حال می‌رفت، با سرعت از چندین نزدیکان و درخت و تخت کنار دیوار بالا رفت و پایین آمدا موقعی هم که روی پشت‌بام بودند شایگان گفت: «خیلی بد شد» و مصدق به ندی گفت: «خیلی هم خوب شد» به‌جای اینکه رجاهما ما را ببرند، دو ابرقدرت ما را بردند!» یکی از طنزهای تلخ تاریخ، اسطوره شدن‌های بی‌مورد و مقطعی است که گاهی اوقات مایه ننگ تاریخ هم می‌شود. آنجا که ضعیف‌ها و متکبرها، جور دیگری تصور می‌شوند. آنجا که آگاهی‌های جمعی محدود می‌شود و اطلاعات ناقصی در اختیار مردم قرار می‌گیرد. این فضا «یدبال» فرصت‌طلب‌هاست. آنهایی که می‌کوشند از فرصت برای تبلیغ و تقویت خود استفاده کنند و افکار عمومی را در اختیار بگیرند. «خود» را نماینده اکثریت تلقی کنند و مدام بگویند: «یک اقلیتی با «من» مخالف است!»

ابوالحسن بنی‌صدر، در تاریخ معاصر ایران یکی از همین عناصر کم‌ظرفیت است. آنجا که با پشتوانه ۱۱ میلیون رای و استقبال عموم و حتی برخی بیوت صالحه، روی کار می‌آید اما بعدتر آنچه‌انچنان می‌کند که به عنوان اصلی‌ترین «پوزیسین» جمهوری اسلامی، حتی در جایگاه ریاست‌جمهوری، شناخته می‌شود. شاید فحاشی‌هایی که بنی‌صدر در روزهای ریاست‌جمهوری به جمهوری اسلامی کرده، اپوزیسیون‌های فعال و ضدانقلاب هنوز جسارت نکرده باشند نمونه آنها را بر زبان بیاورند.

بنی‌صدر پروپاگاندایی داشت که می‌توانست دورویی و نفاق وی را ببوشاند تا آن اندازه که حتی از عاشورا و قیام امام حسین(ع) برای اهداف و امالش بهره ببرد. مردم انقلاب کردند که عقیده اسلام بر این کشور حکومت کند اما بنی‌صدر براحتی می‌توانست با تبلیغات و فضا سازی علیه این و آن، هرج و مرج به راه انداختن و مدیریت فضا در آشوب، عقیده و اسلام را «وسیلله» حکومت خود کند!

برای بسیاری هنوز راز ۱۱ میلیون رای بنی‌صدر محل چالش است؛ چطور می‌شود او را «صدرصد» لقب می‌دهند.

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به‌سوی اوست

خانواده محترم شهید دادمان

عروج «علی» عزیز را در روز شهادت مولایش امیرالمؤمنین(ع) تسلیت گفته، برای او رضوان الهی و برای بیت معظم شهید دادمان صبر و اجر از خداوند رمضان خواهیم می‌مهدی محمدی - رضا شکیبایی

امام بهر صادق(ع) می‌فرماید:

حرکت به تمهید زیارت امام حسین(ع)، پیاده از خانه‌اش خارج شود، خداوند در مقام حرکات، برای او حسای می نویسد و کتابی از او می‌زود.

طرح احداث درماتگاه های خدمات امدادی جمعیت هلال احمر در عتبات عالیات عراق، مسیر نجف به کربلا در راستای پوشش امدادی کاروان عظیم پیاده روی ایام اربعین حضرت ابا عبد... الحسین(ع)

نیوکاران عزیز می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به حساب شماره ۳۹۷۸۶۰۲۴۱۴ نزد بانک ملت به نام خیرین جمعیت هلال احمر استان تهران یا شماره کارت ۶۰۱۰۳۳۳۷۸۹۵۰۹۱۴۳۳ واریز نمایند. در صورت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۰۲۱-۸۸۵۰۳۳۳۳ و یا تماس حاصل فرمایید.



استان تهران